

تعاون و کشاورزی، سال پنجم، شماره ۱۷، بهار ۱۳۹۵

نقش تعاونی‌های شهرستان فامنین در کاهش فقر روستایی

موسی اعظمی^{۱*}، مرجان سپه پناه^۲، مختار بهادری قزلجه^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۶/۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱۰

چکیده

مطالعه حاضر از نوع تحقیقات کاربردی بوده که با هدف بررسی نقش تعاونی‌ها در کاهش فقر مناطق روستایی انجام شده است. منطقه مورد مطالعه شهرستان فامنین در استان همدان و جامعه آماری تحقیق شامل مجموعه اعضای تعاونی‌های کشاورزی، خدماتی، صنعتی و چندمنظوره در این شهرستان به تعداد حدوداً ۱۳۰ نفر بود که به روش سرشماری همه آنها بررسی شدند. علاوه بر بررسی‌های اسنادی، به منظور جمع‌آوری اطلاعات، از روش میدانی با ابزار پرسش‌نامه ساختارمند استفاده شد. روایی و پایایی پرسش‌نامه به ترتیب براساس نظر پانل متخصصان موضوعی و آزمون آلفای کرونباخ (۰/۸۸) تأیید گردید. همچنین ابزار تجزیه و تحلیل پرسش‌نامه نرم افزار آماری SPSS22 بود که برای تحلیل داده‌های به دست آمده از ضریب تغییرات به منظور اولویت‌بندی عوامل تأثیرپذیر از مشارکت اعضا در فعالیت‌های شرکت تعاونی و نیز از تحلیل عاملی به منظور مشخص کردن مهم‌ترین عوامل در کاهش فقر استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که مشارکت اعضا در تعاونی‌ها توانسته است در کل سبب افزایش درآمد و پس‌انداز خانوار روستایی، کاهش استفاده بی‌رویه از منابع روستایی، افزایش مسئولیت‌پذیری و اقتدار مردم محلی، افزایش آگاهی روستاییان، بهبود امکانات و محیط طبیعی روستا، افزایش بودجه دولتی، دسترسی به امکانات و خدمات عمومی و بهداشتی و آموزشی و در نهایت کاهش نسبی میزان فقر روستایی در منطقه مورد مطالعه شود.

واژه‌های کلیدی: فقر روستایی، تعاونی کشاورزی، مشارکت، شهرستان فامنین

۱. استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان

E-mail: aazamialireza@yahoo.co.uk

* نویسنده مسئول

۲. دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان

۳. دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی، دانشگاه تبریز

مقدمه

بر اساس شواهد موجود، بیش از ۷۵ درصد از مردم فقیر در مناطق روستایی زندگی می‌کنند (IFAD, 2011). این امر اهمیت مطالعه کاهش فقر روستایی با راهبرد مشارکت روستاییان را، که مهم‌ترین جلوه آن درتشکل‌های مردمی است، نشان می‌دهد. می‌توان ادعا نمود که ارتباط زیادی بین مقوله فقر با مشارکت مردمی وجود دارد (Aazami, 2004) و اهمیت مطالعه کاهش فقر روستایی با راهبرد مشارکت روستاییان بیشتر در قالب نهادها و شبکه‌های مردمی قابل طرح است، لذا برخی مطالعات مؤید مشارکت ضعیف مردم در امور توسعه نه‌تنها در برنامه‌ریزی بلکه در فاز اجرایی پروژه‌های توسعه است (همان، ۲۰۰۴). این در حالی است که در یک برنامه فاقد مشارکت، حتی اگر نیازهای مردم روستایی تأمین شود، غالباً کارایی لازم را نخواهد داشت؛ زیرا راه‌حل‌های فقر، که توسط کارشناسان طراحی می‌شود، برای مردم محلی چندان ملموس نیست (رضوی، ۱۳۸۲). بررسی‌های اخیر در بحث توسعه تصدیق نموده‌اند که روستاییان فقیر می‌بایست در تمامی مراحل برنامه توسعه روستایی محلی مشارکت داشته باشند تا ضمن ارتقای توانمندی و ظرفیت آنها، گامی در جهت کاهش فقر روستایی برداشته شود (همان، ۲۰۰۴). یکی از شیوه‌هایی که مشارکت را عملی می‌سازد، تشکیل سازمان‌های مردمی مانند نظام تعاونی است. موفقیت سازمان‌های مردمی از جمله تعاونی‌های روستایی می‌تواند تأثیر بیشتری نسبت به نهادهای دولتی یا غیرمردمی در کاهش فقر روستایی داشته باشد (Simmon and Birchall, 2008). همچنین مرور تاریخی تعاونی‌های روستایی نشان‌دهنده موفقیت و یا شکست در راهبرد کاهش فقر بوده و مشخص شده است نقاط ضعف و قوت بخش‌های تعاونی در کشورهای مختلف، متفاوت می‌باشد (همان، ۲۰۰۸).

یکی دیگر از راه‌های عملی کردن مشارکت مردمی، ایجاد شرکت‌های تعاونی در مناطق روستایی است. تعاونی‌ها می‌توانند شرایط این امر را تسهیل و بین مشارکت روستاییان پیوند ذهنی و عملی تنگاتنگی برقرار کنند. ماجی و هویت (Majee and Hoyt, 2012) بیان می‌کنند که تعاونی‌ها به شکل رسمی و غیررسمی نقش و جایگاه ارزنده‌ای در مناطق روستایی کشورهای مختلف دارند. از

سوی دیگر، حضور مؤثر این نهادهای مردمی می‌تواند نقش مهمی در توسعه روستاهای کشورهای در حال توسعه ایفا نماید (Hariong & Yiu, 2013). به‌طور کلی، تفاوت تعاونی‌ها نسبت به دیگر سازمان‌های دولتی در علاقه خودجوش اعضا برای مشارکت در فعالیت‌های تعاونی و کار گروهی است. یکی از عوامل مهم در موفقیت تعاونی‌ها امکان به‌کارگیری مدیران باتجربه است تا با برنامه‌ریزی بهتر و کنترل و نظارت بر اجرای صحیح برنامه‌ها و بهره‌گیری از مشارکت مالی و سایر منابع اعضا، زمینه رسیدن به اهداف تعاونی‌ها در کاهش فقر روستایی فراهم شود. بنابراین، تعاونی‌ها و توسعه آنها به‌عنوان مهم‌ترین برنامه کاهش فقر می‌تواند مدنظر سیاست‌گذاران قرار گیرد. در این راستا تجمیع سرمایه‌های اندک قشر کم‌درآمد جامعه به همراه کمک‌های دولتی برای سرمایه‌گذاری‌های بزرگ اقتصادی یک فرض اساسی برای کاهش فقر توسط تعاونی‌هاست (Ali, 2014).

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که تعاونی‌ها باید بر چه محورهایی استوار باشند تا بتوانند هماهنگ با اهداف، در کاهش فقر تأثیرگذار باشند. علاوه بر نقش تعاونی‌ها در افزایش مشارکت مردم محلی می‌توان گفت که در کشورهای در حال توسعه فقرای روستایی تمایل و تجربه زیادی به مشارکت در برنامه‌های جمعی دارند، لذا به‌منظور توفیق تعاونی‌ها باید از مشوق‌های مشارکتی از جمله ایجاد مشوق‌های اجتماعی، برنامه‌های کاهش فقر و افزایش درآمد استفاده شود. در این خصوص، توسعه منابع انسانی از طریق استفاده از نیروهای متخصص سبب توسعه امکانات تعاونی‌ها، افزایش مشارکت و درآمدزایی مناسب برای اعضا و یا به عبارتی، کاهش فقر می‌شود (نجفی، ۱۳۸۸). بنابراین، هدف اصلی این مقاله تحلیل نقش تعاونی‌ها در کاهش فقر روستایی در تعاونی‌های شهرستان فامنین است. افزون بر این، در راستای هدف اصلی، اهداف ویژه‌ای چون بررسی عوامل اثرپذیر از مشارکت در تعاونی‌ها و بررسی عوامل مؤثر بر کاهش فقر حاصل از مشارکت در شرکت‌های تعاونی بررسی می‌شود.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

یکی از موضوعات مهم در مقوله کاهش فقر، به عنوان یکی از مباحث کلیدی توسعه روستایی، ارتباط بین موضوعات فقر، مشارکت و چگونگی واگذاری امور به مردم است (Rondinelli et al., 1989). تشویق به مشارکت عمومی، پایداری و رشد گروه‌های فقیر و آسیب‌پذیر در مناطق روستایی از نکات مثبت تمرکززدایی مردم‌سالار تلقی می‌شود. درست است که شواهد گذشته نشان می‌دهد که تمرکززدایی یا واگذاری امور توسعه به خود مردم به طرق مختلف، نظیر تقویت تعاونی‌ها برای افزایش مسئولیت مردم در فرایند توسعه، اهمیت فراوان دارد و در حوزه توسعه مشارکتی روستایی گمانه‌هایی را در این باره ایجاد می‌کند که آیا تمرکززدایی مردم‌سالار لزوماً به "کاهش فقر" منجر خواهد شد و اگر جواب مثبت است تا چه حد؟ (همان، ۱۹۸۹)، اما بسیاری از نویسندگان دهه پیشین از جمله بلر (Blair, 2000)؛ اشلی و ماکسول، (Ashley and Maxwell, 2001)، مانور (Manor, 1999)؛ مور و پوتزل (Moore and Putzel, 1999) و جانسون (Johnson, 2001) بر این عقیده بودند که ارتباطی ضعیف بین تمرکززدایی مردم‌سالار و فقرزدایی وجود دارد. جانسون (۲۰۰۱)، با اشاره به بررسی پژوهشگران دیگری، بیان می‌کند که انتقال و واگذاری قدرت به نهادها و تشکل‌های محلی مردم‌نهاد تأثیر اندکی بر کاهش فقر یا فقرزدایی در کلمبیا، برزیل و بنگال غربی داشته است. علاوه بر این، وی با اشاره به کارهای مانور (۱۹۹۹) بیان می‌کند که تجارب به نسبت ناامیدکننده‌ای در بولیوی، بنگال غربی، هند و بنگلادش وجود داشته‌اند.

با وجود این، جانسون (۲۰۰۱) خاطر نشان می‌کند که واگذاری اختیار می‌تواند میزان سطح معیشت روستایی را به اشکال گوناگون افزایش دهد. او معتقد است که ایجاد گروه‌های کاربری منابع محلی (برای مثال مدیریت مشارکتی منابع آب، مدیریت جنگل‌ها و غیره) می‌تواند راه‌های بهره‌برداری مردم محلی از منابع طبیعی توسعه دهد. مانور (۱۹۹۹) بیان می‌کند که تمرکززدایی با تقویت نهادهای مردمی هنگامی که به‌طور بومی و محلی انتخاب شوند و دارای بودجه کافی باشند و از استقلال در عمل برخوردار باشند، می‌تواند کارآمدی و مسئولیت‌پذیری دولت را افزایش دهد

و این امر در صورتی محقق می‌شود که بین نمایندگان دولت، شهروندان و بین منصوبین دولت و نمایندگان منتخب مردم حس مسئولیت‌پذیری وجود داشته باشد. بلر (۲۰۰۰) معتقد است که افزایش میزان مسئولیت به‌خودی‌خود مناسب است و عضویت در سازمان‌های محلی می‌تواند باعث بروز مهارت‌های مهم مانند رهبری شود که آثار آن در مراحل زندگی قابل مشاهده است.

بنابراین، برخی مطالعات ذکر شده از یک سو به وجود رابطه نسبتاً ضعیف بین تمرکززدایی یا واگذاری امور به مردم اشاره می‌کنند و از سوی دیگر، این‌طور بحث می‌نمایند که تمرکززدایی مردم‌سالار شرط لازم و ضروری برای توسعه مؤثر روستایی است (Ashley and Maxwell, 2001). از طرفی، اجماع نظر بر مشارکت مردمی، به‌عنوان راهبردی مؤثر برای کاهش فقر، وجود داشته است.

تعاونی‌های روستایی به‌عنوان یک ابزار برای توسعه روستایی در نظر گرفته می‌شوند. بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته همانند انگلستان، فرانسه و آلمان، از طریق تعاونی‌های روستایی توانسته‌اند کیفیت زندگی در مناطق روستایی را بهبود بخشند (Aref, 2011).

از نظر سیمونز و بیرچال (۲۰۰۸)، شش استدلال برای نقش تعاونی‌های روستایی در کاهش فقر وجود دارد که عبارت‌اند از: ارزش‌ها و اصول تعاونی مزیتی برای کاهش فقر است؛ دستاوردهای بزرگ تاریخ تعاونی در کشورهای توسعه‌یافته؛ نقاط ضعف محدود در مدل تعاونی با وجود شکست برخی از آنها در کشورهای در حال توسعه؛ شفاف‌تر شدن ماهیت اصلی سازمان‌های تعاونی در حال حاضر؛ توسعه مشارکتی و تعاونی به‌عنوان اصول اساسی اشتراکی مورد پذیرش است؛ اهداف توسعه هزاره سازمان ملل متحد و راهبرد کاهش فقر بانک جهانی نیاز به توسعه تعاونی برای رسیدن به موفقیت دارد. با این حال، عملکرد ضعیف بخش تعاونی در گذشته باعث شده است تا مقامات بانک جهانی استفاده از این واژه را محدود کنند. بنا به تجربه کشورهای نظیر هندوستان، که در زمینه کاهش فقر موفقیت‌های نسبی کسب نموده‌اند، این برنامه‌ها عمدتاً با مشارکت مؤثر فقرا و افراد کم‌درآمد روستایی موفقیت‌آمیز خواهند بود. سازمان‌دهی و فراهم‌سازی بسترهای مناسب برای مشارکت فعال فقرای روستایی در زمینه کاهش فقر مستلزم ایجاد نهادهای اقتصادی و

اجتماعی برای عملیاتی کردن کاهش فقر است. شرکت‌های تعاونی کشاورزی و روستایی در بسیاری از رشته‌های شغلی و صنفی می‌توانند به افراد فقیر روستایی کمک کنند تا به خودباوری و اعتماد به نفس برسند و با توانمندسازی آنها از طریق برنامه‌های حمایتی، امنیت اقتصادی، اجتماعی و روانی، آنان را حمایت و پشتیبانی کنند. همچنین با توجه به تقسیم سود در شرکت‌های تعاونی به‌عنوان پاداش به اعضا و درصدی به‌عنوان افزایش سرمایه، اعضای این تعاونی‌ها می‌توانند از درآمد مناسب برخوردار شوند و چون این افزایش درآمد نصیب دهک‌های پایین جامعه روستایی می‌شود، قادر است مشکل توزیع نامناسب درآمد و نابرابری درآمدی را حل کند و منجر به کاهش فقر گردد (Aref, 2011). در ایران به‌خصوص در مناطق روستایی، با توجه به میزان درآمد اندک مردم روستایی و به‌ویژه کشاورزان خرده‌پا، که بخش اصلی و مهم کشاورزان را تشکیل می‌دهند، نمی‌توان انتظار داشت که این قشر نیازهای مادی خود را به‌تنهایی برطرف کند. لذا حضور و مشارکت آنها در نهادهایی همانند تعاونی می‌تواند به آنان کمک کند تا نیازهای مادی خود را تأمین کنند. با این حال، تعاونی روستایی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه با برخی از محدودیت‌ها و موانع مواجه شده است. در این میان، مشارکت نقش بسیار مهمی در توسعه تعاونی‌های روستایی بازی می‌کند (همان، ۲۰۱۱).

در زمینه نقش تعاونی‌ها در کاهش فقر مطالعات متعددی صورت گرفته است. مکفایل (Mcphail, 2003) برنامه‌های ده‌ساله توسعه تعاونی‌ها در ایالت کلرادو را بررسی کرد و نشان داد در طول این دوره، تعاونی‌ها از نظر تعداد اعضا و سود رشد و توسعه داشتند و در افزایش درآمد اعضا بسیار موفق عمل کردند.

آگوستین (Agustin, 2001) به بررسی مشارکت تعاونی‌های اقتصادی در اسپانیا پرداخت. یافته‌های حاصل از مطالعه وی نشان داد که تفاوت‌های ویژه‌ای بین تولیدکنندگان بخش خصوصی و تعاونی‌ها در ایجاد تعادل درآمد و افزایش درآمد گروه‌های مختلف جامعه وجود دارد.

قرنی آرانی (۱۳۹۳) در بررسی نقش برنامه‌ریزی مشارکتی در کاهش فقر روستایی بیان کرد که پایداری، اثربخشی و پوشش پروژه‌های مشارکتی در کاهش فقر عمومی روستایی موفق‌تر از

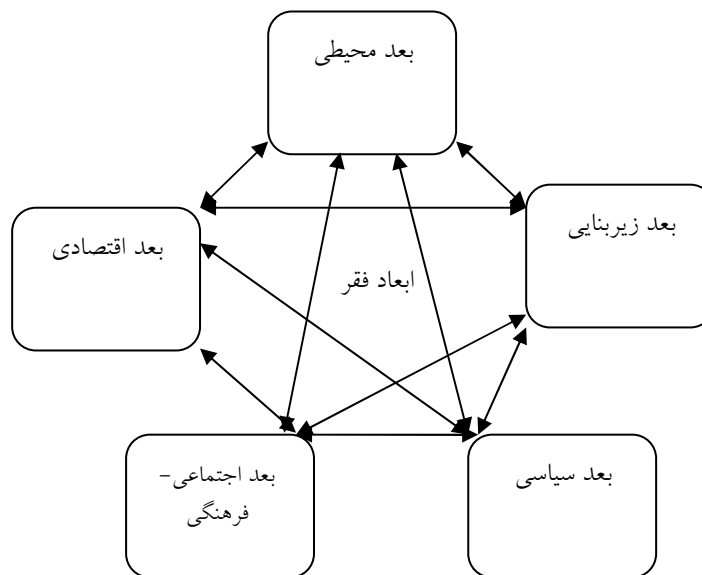
پروژه‌های بالا به پایین بوده‌اند و پروژه‌های غیر مشارکتی از هدف کاهش فقر روستایی به تدریج دور شده‌اند.

در رابطه با ابعاد فقر، به دلیل ماهیت پیچیده و چندبعدی آن، تعاریف متفاوتی ارائه شده است اما همه به نوعی به هنجاری بودن مقوله فقر تأکید دارند و معتقدند تنها با تعاریف از پیش تعیین شده می‌توان فقیر را از غیر فقیر جدا نمود. علت این تفاوت‌ها را می‌توان نخست ناشی از نوع تفکر در مورد نقش اجتماعی انسان، برداشت از مفهوم عدالت اجتماعی، باور به اصالت فرد یا جمع، شرایط زیست بومی و امثال آن و دوم حاصل نیازهای متنوع انسانی - که فقدان هریک منجر به تعریف جدیدی از فقر می‌شود - دانست. نیازهای انسان برحسب شرایط زمانی، مکانی، مرحله پیشرفت و تمدن، شرایط فنی و سطوح فرهنگی و غیره تغییر می‌یابد (خیاطی ظهیری، ۱۳۸۵).

به هر حال، دیدگاه‌های گوناگونی سعی کرده‌اند که فقر را معنا و فقیر را تعریف کنند و نقش عوامل ایجادکننده و گسترش دهنده فقر را تبیین نمایند. راغفر (۱۳۸۴) سه رویکرد رایج درباره فقر را مطرح می‌کند: رویکرد درآمدی، رویکرد قابلیت و رویکرد مبتنی بر طرد اجتماعی. فقر قابلیت بر ضرورت تغییر زاویه دید و نحوه نگرش به اهمیت کالاها در رفع نیازهای انسان تأکید دارد. در این دیدگاه، فقر به هیچ وجه به معنی نداشتن درآمد نیست، بلکه فقر به مثابه محرومیت از قابلیت‌های فردی و اجتماعی تعریف می‌شود (محمودی و صمیمی فر، ۱۳۸۴). فقر درآمدی عبارت است از محرومیت مادی که با معیار درآمد یا مصرف سنجیده می‌شود؛ نظیر غذای کافی، مسکن، تحصیلات و بهداشت (هادی زنوز، ۱۳۸۴). در فقر مبتنی بر طرد اجتماعی برخی از دیدگاه‌ها نقش محوری را به پیوستگی، همبستگی و مسئولیت اجتماعی داده و طرد اجتماعی را نه تنها نشانگر رفتار هر فرد، بلکه گویای ناتوانی دولت‌ها در تأمین همبستگی اجتماعی می‌دانند. برخی دیگر آن را بر اساس تفکیک جامعه به خودی و غیرخودی می‌دانند. در مطالعات مربوط به طرد اجتماعی از ترکیبی از این نظریات استفاده شده و به معنای فقدان مشارکت در نهادهای اجتماعی و نقض حقوق مدنی تعریف شده است (غفاری و تاج‌الدین، ۱۳۸۴).

اغلب کشورهای در حال توسعه با مشکلاتی نظیر فقر روبه رو هستند (Asadi et al., 2008). بینوس (Bainous, 2006) در ارتباط با فقر نواحی روستایی بیان می‌کند بین اعتبارات خرد با امنیت غذایی، درآمدی و رفاه اجتماعی تأثیر نسبتاً مثبتی وجود دارد. همچنین زارازوا (Zarazua, 2010) نشان داد که بهبود شرایط اقتصادی و افزایش اعتبارات روستایی نقش مؤثری در کاهش فقر مردم روستایی دارد. اما به‌طور کلی ابعاد فقر به پنج بعد محیطی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و زیربنایی قابل تقسیم است. بعد اقتصادی به مواردی چون فقر درآمدی و برآورده نشدن نیازهای ضروری و اساسی؛ بعد زیربنایی به میزان دسترسی افراد به نیازهای اساسی مانند آموزش، بهداشت و تغذیه؛ بعد سیاسی به محرومیت از حقوق سیاسی و انسانی و نیز محدودیت در سیاست‌گذاری و قدرت چانه‌زنی؛ بعد اجتماعی-فرهنگی به عواملی از جمله محرومیت اجتماعی و فقدان اعتبار و کرامت انسانی در بین جوامع؛ و بعد محیطی به مواردی چون حفظ بهداشت و امنیت محیط انسانی و زندگی پیرامون آن اشاره می‌کند (OECD, 2001).

با توجه به مطالب فوق چارچوب زیر برای بررسی ابعاد فقر مورد استفاده قرار گرفت (شکل ۱):



شکل ۱. ابعاد فقر (OECD, 2001)

روش‌شناسی تحقیق

این مطالعه از لحاظ هدف کاربردی و جزء تحقیقات توصیفی-پیمایشی است. منطقه مورد مطالعه شهرستان فامنین در استان همدان بود جامعه آماری تحقیق مجموعه اعضای تعاونی‌های کشاورزی، خدماتی، صنعتی و چندمنظوره در شهرستان فامنین را در بر گرفت که به دلیل کثرت اعضا تنها سه نوع تعاونی کشاورزی، خدماتی و صنعتی که قابلیت دسترسی به اعضا در آنها مقدور بود، به عنوان نمونه جهت بررسی انتخاب شدند. در نمونه‌گیری نیز با توجه به در دسترس بودن اعضا، از شیوه سرشماری استفاده شد ($n=130$). در این مطالعه به منظور جمع‌آوری اطلاعات از روش پیمایشی استفاده شد که ابزار اصلی آن پرسش‌نامه ساختارمند بود. روایی و پایایی پرسش‌نامه به ترتیب بر اساس نظر پانل متخصصان و آزمون آلفای کرونباخ ($0/88$) مورد تأیید قرار گرفت. همچنین ابزار تجزیه و تحلیل پرسش‌نامه نرم‌افزار آماری SPSS22 بود که برای تحلیل داده‌ها از ضریب تغییرات جهت اولویت‌بندی عوامل تأثیرپذیر از مشارکت اعضای تعاونی در فعالیت‌های شرکت تعاونی و نیز از تحلیل عاملی به منظور مشخص نمودن مهم‌ترین عوامل کاهش فقر استفاده گردید.

نتایج و بحث

ویژگی‌های فردی پاسخگویان

میانگین سنی افراد مورد مطالعه بین ۲۴ تا ۶۰ سال و تمامی آنها مرد بودند. ۲۲/۳ درصد از اعضای تعاونی‌ها مجرد و ۷۷/۷ درصد متأهل بودند. از لحاظ سطح سواد و تحصیلات ۴۳/۱ درصد از آنان دارای دیپلم و ۲۱/۵ درصد بی‌سواد بودند و ۳۰/۸ درصد سواد خواندن و نوشتن و ۴/۶ درصد مدارک لیسانس به بالا داشتند. همچنین ۳۵/۴ درصد از پاسخگویان شغل کشاورزی با درآمد متوسط ۱۵ تا ۲۰ میلیون ریال داشتند. ۵۳/۱ درصد از افراد مالک زمین کشاورزی و ۳۰/۸ درصد فقاد زمین کشاورزی بودند.

اولویت‌بندی عوامل اثرپذیر از مشارکت در تعاونی

در این قسمت، عوامل اثرپذیر از مشارکت در شرکت‌های تعاونی بر اساس ضریب تغییرات مورد بررسی قرار گرفت. گفتنی است که عوامل بررسی شده در این مطالعه مبتنی بر مدل ابعاد فقر (OECD, 2001) طراحی شد. در بخش عوامل اقتصادی، گویه‌هایی چون امکان بازاریابی بهتر محصولات تولیدی، افزایش کیفیت محصولات و دسترسی به وام و اعتبارات بانکی به‌عنوان پیامدهای مشارکت در فعالیتهای تعاونی با اولویت بالا در نظر گرفته شدند (جدول ۱).

گویه‌های کمک به بهبود امنیت روستا، کاهش میزان تخلفات در بین روستاییان، افزایش احساس اقتدار مردم محلی با مشارکت اعضا در بعد سیاسی بیشتر از بقیه ارتقا یافته بودند (جدول ۲).

در خصوص عوامل اجتماعی - فرهنگی یافته‌ها نشان داد که با افزایش مشارکت مردم در شرکت‌های تعاونی وحدت و انسجام مردم محلی، اعتبار اجتماعی مردم و میزان اعتماد بین اعضای تعاونی افزایش چشمگیری یافتند (جدول ۳).

برای اولویت‌بندی عوامل زیربنایی نیز به ترتیب گویه‌های دسترسی به خدمات برق، گاز و تلفن؛ دسترسی به خدمات آموزشی و دسترسی به درمانگاه در روستا به علت افزایش فعالیت و مشارکت اعضای تعاونی افزایش یافت (جدول ۴).

در قسمت عوامل محیطی نیز تشویق کشاورزان به تحقق کشاورزی پایدار، جلوگیری از تخریب خاک و منابع طبیعی و کاهش مصرف آفت‌کش و سموم به ترتیب عواملی بودند که شرکت‌های تعاونی نقش مهمی در تحقق آنها داشته‌اند.

جدول ۱. اولویت‌بندی عوامل اقتصادی اثرپذیر از مشارکت در تعاونی

رتبه	CV	انحراف معیار	میانگین	گویه‌ها
۱	۰/۳۶۹	۱/۰۷۹	۲/۹۲	امکان بازاریابی بهتر محصولات تولیدی
۲	۰/۳۷۸	۱/۱۶۳	۳/۰۷	افزایش کیفیت محصولات تولیدی
۳	۰/۳۹۲	۱/۱۹۶	۳/۰۵	دسترسی به وام و اعتبارات بانکی جهت هزینه‌های زندگی
۴	۰/۴۱۱	۱/۱۹۷	۲/۹۱	افزایش فرصت شغلی جدید در روستا
۵	۰/۴۱۷	۱/۱۵۳	۲/۷۶	افزایش درآمد ماهانه برای خرید البسه
۶	۰/۴۱۸	۱/۱۵۰	۲/۷۵	افزایش درآمد ماهانه جهت هزینه مراسم مختلف
۷	۰/۴۱۸	۱/۱۷۶	۲/۸۱	افزایش تولید و محصول
۸	۰/۴۴۱	۱/۳۷۶	۳/۱۲	امکان تجمیع خرده‌سرمایه‌های مردم
۹	۰/۴۵۱	۱/۱۴۲	۲/۵۳	افزایش قدرت خرید ادوات کشاورزی و باغی
۱۰	۰/۴۵۴	۱/۱۳۶	۲/۵۰	افزایش درآمد ماهانه برای خرید مواد غذایی
۱۱	۰/۴۶۰	۱/۲۳۳	۲/۶۸	افزایش درآمد ماهانه جهت خرید وسایل آموزشی و تحصیلی فرزندان
۱۱	۰/۴۶۰	۱/۲۳۳	۲/۶۸	افزایش پس‌انداز خانوار
۱۲	۰/۴۶۲	۱/۲۳۰	۲/۶۶	افزایش درآمد ماهانه جهت تفریح و مسافرت
۱۳	۰/۴۷۸	۱/۱۹۵	۲/۴۵	افزایش درآمد ماهانه جهت خرید لوازم لوکس خانگی
۱۴	۰/۴۸۷	۱/۲۱۵	۲/۴۶	افزایش صادرات محصولات کشاورزی
۱۵	۰/۴۹۸	۱/۲۸۷	۲/۵۸	افزایش قدرت خرید زمین کشاورزی، باغ و یا دام

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۲. اولویت‌بندی عوامل سیاسی اثرپذیر از مشارکت در تعاونی

رتبه	CV	انحراف معیار	میانگین	گویه‌ها
۱	۰/۳۳۲	۱/۰۱۷	۳/۰۶	کمک به بهبود امنیت در محیط روستا
۲	۰/۳۴۷	۱/۰۸۸	۳/۱۳	کاهش میزان تخلفات در بین روستاییان
۳	۰/۳۷۳	۱/۱۷۳	۳/۱۴	افزایش احساس اقتدار مردم محلی
۴	۰/۳۸۸	۱/۲۳۶	۳/۱۸	افزایش قدرت مدیریت و توانمندی سیاسی مردم
۵	۰/۳۹۰	۱/۱۳۷	۲/۹۱	ارتقای سطح توانایی مردم در قبول مسئولیت‌ها
۶	۰/۳۹۳	۱/۰۹۳	۲/۷۸	امکان ارتباط بهتر و قوی‌تر با دولت
۷	۰/۳۹۸	۱/۲۰۷	۳/۰۳	افزایش حس مسئولیت‌پذیری مردم در امور روستا
۸	۰/۴۰۰	۱/۰۳۳	۲/۵۸	افزایش قدرت چانه‌زنی مردم محلی برای خواسته‌های خود
۹	۰/۴۱۴	۱/۲۱۸	۲/۹۴	افزایش توانایی بیان نظرات و عقاید مردم
۱۰	۰/۴۳۹	۱/۳۴۵	۳/۰۶	کاهش استفاده بی‌رویه از منابع موجود در روستا
۱۱	۰/۴۶۸	۱/۱۹۵	۲/۵۵	امکان جلب حمایت‌ها، تسهیلات و خدمات دولتی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۳. اولویت‌بندی عوامل اجتماعی - فرهنگی اثرپذیر از مشارکت در تعاونی

رتبه	CV	انحراف معیار	میانگین	گویه‌ها
۱	۰/۳۰۹	۱/۱۲۲	۳/۶۲	افزایش وحدت و انسجام مردم محلی
۲	۰/۳۳۴	۱/۱۰۶	۳/۳۱	بالا رفتن اعتبار اجتماعی مردم
۲	۰/۳۳۴	۱/۳۱۹	۳/۴۹	بالا رفتن میزان اعتماد بین اعضای تعاونی
۳	۰/۳۳۷	۱/۱۸۳	۳/۵۱	بهبود روابط اجتماعی، قومی و قبیله‌ای
۴	۰/۳۵۲	۱/۱۵۳	۳/۲۷	بالا رفتن میزان علاقه به انجام کارهای گروهی
۵	۰/۳۷۵	۱/۱۷۲	۳/۱۲	ایجاد پیوند و دوستی بیشتر با همسایگان
۶	۰/۳۷۹	۱/۱۹۳	۳/۱۴	افزایش آگاهی عمومی مردم
۷	۰/۳۸۱	۱/۳۱۱	۳/۴۴	افزایش توانایی برقراری ارتباط با اعضای دیگر تعاونی‌ها
۸	۰/۴۱۵	۱/۲۳۹	۲/۹۸	بهبود امنیت غذایی در منطقه
۹	۰/۴۲۴	۱/۳۵۳	۳/۱۹	افزایش میزان اعتماد به سازمان‌های دولتی
۱۰	۰/۴۲۸	۱/۳۲۱	۳/۰۸	کاهش نزاع و درگیری بین روستاییان
۱۱	۰/۴۳۳	۱/۳۴۸	۳/۱۱	افزایش اعتماد به نفس جهت حضور در جمع
۱۲	۰/۴۶۲	۱/۳۵۴	۲/۹۳	دسترسی به خدمات بیمه‌ای
۱۳	۰/۴۷۴	۱/۴۴۶	۳/۰۵	بالا رفتن قدرت تصمیم‌گیری فردی در زندگی
۱۴	۰/۵۵۴	۱/۳۶۵	۲/۴۶	افزایش میزان مشارکت مردم در فعالیت‌های جمعی روستا

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۴. اولویت‌بندی عوامل زیربنایی اثرپذیر از مشارکت در تعاونی

رتبه	CV	انحراف معیار	میانگین	گویه‌ها
۱	۰/۳۴۲	۱/۰۱۵	۲/۹۶	افزایش دسترسی به خدمات برق، گاز و تلفن
۲	۰/۳۴۹	۱/۰۸۴	۳/۱۰	دسترسی بیشتر به خدمات آموزشی
۳	۰/۳۶۴	۱/۱۵۸	۳/۱۸	دسترسی به درمانگاه در روستا
۴	۰/۳۷۵	۱/۰۹	۲/۹۰	دسترسی به آب بهداشتی
۵	۰/۳۸۱	۱/۱۰۰	۲/۸۸	بهبود زیرساخت‌های مختلف روستا
۶	۰/۳۸۳	۱/۰۸۶	۲/۸۳	کمک به توسعه اماکن عمومی و مذهبی روستا
۷	۰/۴۰۷	۱/۰۲۶	۲/۵۲	کمک به عمران و آبادانی روستا
۸	۰/۴۲۲	۱/۱۰۳	۲/۶۱	کمک به دسترسی به خانه بهداشت در روستا
۹	۰/۴۳۵	۱/۲۴۲	۲/۸۵	دسترسی به مواد غذایی سالم و غنی
۱۰	۰/۵۱۶	۱/۰۴۳	۲/۰۲	دسترسی بهتر به خدمات نوین دولت (ICT و

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۵. اولویت‌بندی عوامل محیطی اثرپذیر از مشارکت در تعاونی

رتبه	CV	انحراف معیار	میانگین	گویه‌ها
۱	۰/۳۳۵	۱/۰۵۷	۳/۱۵	تشویق کشاورزان به تحقق کشاورزی پایدار
۲	۰/۳۵۴	۱/۱۱۷	۳/۱۵	جلوگیری از تخریب خاک و منابع طبیعی
۳	۰/۳۶۸	۱/۱۹۶	۳/۲۵	کمک به کاهش مصرف آفت‌کش و سموم
۴	۰/۳۸۶	۱/۱۲۸	۲/۹۲	کاهش آلودگی‌های زیست‌محیطی
۵	۰/۴۰۶	۱/۲۳۲	۳/۰۳	مدیریت بهینه یا صحیح منابع محیطی مانند آب و خاک و...
۶	۰/۴۰۷	۱/۲۴۴	۳/۰۵	بهبود نظارت بر محیط‌زیست و بهداشت محیط روستا
۷	۰/۴۱۰	۱/۰۵۶	۲/۵۷	بهبود محیط طبیعی روستا
۸	۰/۴۲۰	۱/۲۶۷	۳/۰۱	افزایش دسترسی به فناوری‌های محلی متناسب با محیط
۹	۰/۴۲۷	۱/۲۶۹	۲/۹۷	توسعه امکانات گردشگری روستا

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تحلیل عاملی عوامل مؤثر بر کاهش فقر ناشی از مشارکت در شرکت‌های تعاونی

به منظور دسته‌بندی گویه‌های تحقیق در قالب نقش شرکت تعاونی بر کاهش فقر و تعیین سهم هر یک، از تحلیل عاملی استفاده شد. محاسبات نشان داد که انسجام درونی داده‌ها برای بهره‌گیری از این تکنیک مناسب بوده ($KMO=0/817$) و آماره بارتلت نیز در سطح یک درصد معنی‌دار است. در این بررسی، ۵ عامل استخراج شدند که نتایج آن در جدول ۶ به همراه مقدار ویژه و درصد واریانس مربوطه ارائه شده است. همچنین مشخص شد که عامل اول (مقدار ویژه ۹/۹۰۴) بیشترین سهم و عامل پنجم کمترین سهم را در تبیین کل متغیرها داشتند و در مجموع ۵ عامل مذکور ۴۵/۱۱۹ درصد از کل واریانس متغیرها را تبیین کردند.

جدول ۶. عوامل استخراج شده همراه با مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی

عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	مقدار ویژه	درصد واریانس	فراوانی تجمعی درصد واریانس
عامل اول	۹/۹۰۴	۱۶/۲۳۷	۱۶/۲۳۷	۱۶/۲۳۷	۱۶/۲۳۷
عامل دوم	۵/۱۶۸	۸/۴۷۲	۸/۴۷۲	۲۴/۷۰۹	۲۴/۷۰۹
عامل سوم	۴/۷۳۹	۷/۷۶۹	۷/۷۶۹	۳۲/۴۷۸	۳۲/۴۷۸
عامل چهارم	۴/۱۲۳	۶/۷۶۰	۶/۷۶۰	۳۹/۲۳۸	۳۹/۲۳۸
عامل پنجم	۳/۵۸۷	۵/۸۸۱	۵/۸۸۱	۴۵/۱۱۹	۴۵/۱۱۹

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که جدول ۶ نشان می‌دهد، در مجموع ۶ عامل فوق توانسته‌اند ۴۵/۱۱۹ درصد از کل واریانس عوامل مؤثر بر کاهش فقر روستایی در تعاونی‌های شهرستان فامنین را تبیین کنند. برای چرخش عاملی نیز از روش وریماکس استفاده گردید. پس از پردازش متغیرهای مربوط به عوامل مؤثر بر کاهش فقر، نسبت به نام‌گذاری عوامل به دست آمده اقدام شد. در جدول ۷ عوامل و متغیرهای مربوط به بار عاملی و گویه‌های آنها آورده شده است. نتایج تحلیل عاملی عوامل مؤثر بر کاهش فقر روستایی در تعاونی‌ها نشان داد که عوامل اقتصادی ۱۶/۲۳۷ درصد واریانس را به خود اختصاص داده است و با مقدار ویژه ۹/۹۰۴، عامل اول از میان عوامل مؤثر بر کاهش فقر

روستایی در تعاونی‌ها بوده است. همچنین یافته‌ها نشان داد که عوامل سیاسی، فرهنگی-اجتماعی، زیربنایی و محیطی به ترتیب ۸/۴۷۲، ۷/۷۶۹، ۶/۷۶۰ و ۵/۸۸۱ درصد واریانس را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۷. متغیرهای عامل‌ها و بارعاملی به دست آمده از ماتریس دوران یافته

بار عاملی	متغیرها	نام عامل
۰/۷۸۵	افزایش قدرت پس‌انداز خانوار	
۰/۷۳۵	افزایش درآمد ماهانه جهت خرید پوشاک	
۰/۶۹۷	افزایش قدرت خرید ادوات کشاورزی و باغی	عامل اول: عوامل اقتصادی
۰/۶۹۱	افزایش قدرت خرید زمین کشاورزی، باغ و یا دام	
۰/۶۵۵	افزایش توان صادرات محصولات کشاورزی	
۰/۶۲۳	افزایش درآمد ماهانه جهت خرید مواد غذایی	
۰/۵۹۱	دسترسی به وام و اعتبارات بانکی	
۰/۵۸۹	افزایش کیفیت محصولات تولیدی	
۰/۵۳۷	افزایش درآمد ماهانه جهت تفریح و مسافرت	
۰/۵۰۷	افزایش درآمد ماهانه جهت خرید وسایل آموزشی و تحصیلی	
۰/۸۲۸	کاهش استفاده بی‌رویه از منابع روستایی	
۰/۸۰۳	امکان جلب حمایت‌ها، تسهیلات و خدمات دولتی	
۰/۷۷۲	ارتقای سطح توانایی مردم در قبول مسئولیت	
۰/۷۴۲	امکان ارتباط بهتر و قوی‌تر با دولت	عامل دوم: عوامل سیاسی
۰/۷۳۸	افزایش حس مسئولیت‌پذیری مردم در امور روستا	
۰/۵۷۹	افزایش احساس اقتدار مردم محلی	
۰/۵۷۹	کاهش میزان تخلفات در بین روستائیان	
۰/۵۲۱	افزایش قدرت چانه‌زنی مردم محلی برای خواسته‌های خود	

ادامه جدول ۷

۰/۸۴۵	افزایش آگاهی عمومی مردم	
۰/۷۸۱	افزایش میزان مشارکت مردم در فعالیتهای جمعی روستا	
۰/۷۷۶	بالا رفتن اعتبار اجتماعی مردم	
۰/۷۷۴	ایجاد پیوند و دوستی بیشتر با همسایگان	عامل سوم: عوامل فرهنگی -
۰/۷۴۱	افزایش اعتماد به نفس جهت حضور در جمع	اجتماعی
۰/۷۱۶	بهبود امنیت غذایی در منطقه	
۰/۷۱۰	بالا رفتن میزان علاقه به انجام کارهای گروهی	
۰/۷۰۹	بالا رفتن قدرت تصمیم گیری فردی در زندگی	
۰/۷۰۱	دسترسی به خدمات بیمه ای	
۰/۷۱۰	کاهش نزاع و درگیری بین روستاییان	
۰/۶۶۹	کمک به توسعه اماکن عمومی و مذهبی روستا	
۰/۶۶۷	کمک به دسترسی به خانه بهداشت در روستا	
۰/۶۴۰	دسترسی بیشتر به خدمات آموزشی	عامل چهارم: عوامل خدماتی -
۰/۶۱۰	دسترسی به مواد غذایی سالم و غنی	زیربنایی
۰/۵۲۱	افزایش دسترسی به خدمات برق، گاز و تلفن	
۰/۵۱۳	بهبود زیرساخت های مختلف روستا	
۰/۶۲۱	کاهش آلودگی های زیست محیطی	
۰/۶۲۰	کمک به کاهش مصرف آفت کش و سموم	
۰/۵۸۸	بهبود محیط طبیعی روستا	عامل پنجم: عوامل محیطی
۰/۵۵۵	توسعه امکانات گردشگری روستا	
۰/۵۲۴	تشویق کشاورزان به تحقق کشاورزی پایدار	

مأخذ: یافته های تحقیق

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یافته‌های حاصل از این مطالعه با شیوه تحلیل عاملی نشان داد که در بررسی عوامل اقتصادی با توجه به مشارکت اعضا در تعاونی‌های کشاورزی و روستایی، تعاونی‌ها توانسته‌اند قدرت پس‌انداز خانواده را ارتقا دهند. پس با افزایش پس‌انداز، یک خانواده روستایی قادر است به رفع احتیاجات ضروری خود بپردازد. از سوی دیگر، یافته‌ها نشان داد که مشارکت در فعالیت‌های شرکت‌های تعاونی توانسته است به افزایش درآمد خانوار منجر شود که این نتیجه با یافته‌های مطالعه مکفایل (۲۰۰۳) مطابقت دارد. در بخش عوامل سیاسی نیز طبق نتایج به‌دست‌آمده مشخص شد که با حضور اعضای تعاونی و مشارکت آنها در بخش‌های مختلف، تعاونی‌ها توانسته‌اند از استفاده بی‌رویه منابع روستایی کم کنند. از سوی دیگر، این مسئله منجر به جلب حمایت‌ها، تسهیلات و خدمات دولتی به سمت روستاهای تحت پوشش تعاونی‌های کشاورزی و روستایی شده است. افزایش مشارکت اعضای تعاونی و همچنین کاهش استفاده بیش از اندازه از منابع موجود در روستا، سبب ارتقای سطح توانایی مردم روستایی در پذیرش مسئولیت و از سوی دیگر بهبود روابط با مأموران دولتی و در نهایت اقتدار مردم محلی در سطح روستا شده است. در بررسی مشارکت اعضا در مباحث اجتماعی - فرهنگی یافته‌ها نشان داد با حضور فعال اعضا در شرکت‌های تعاونی، میزان اطلاعات و آگاهی مردم روستا نسبت به مسائل و مشکلات پیرامون محیط روستا افزایش چشمگیری پیدا کرده که این نتیجه با یافته‌های مطالعه مؤسسه تحقیقات سیاست‌های بین‌المللی غذا (International Food Policy Research Institute, 2001) مطابقت دارد. نتایج همچنین نشان داد که با افزایش میزان مشارکت مردم محلی، اعتبار اجتماعی آنان افزایش یافته است که این امر در ایجاد پیوند و دوستی با همسایگان تأثیر مثبت داشته است. در مطالعه عوامل زیربنایی نتایج نشان داد که مشارکت در تعاونی منجر به توجه بیشتر دولت به ایجاد و تأسیس اماکن عمومی و مذهبی در سطح روستاهای تحت مطالعه شده و بهبود دسترسی روستاییان به مراکز بهداشتی از جمله خانه‌ها بهداشت در سطح روستا، دسترسی به خدمات آموزشی و پرورشی و سایر خدمات زیربنایی چون آب و برق و گاز را به دنبال داشته است. در

رابطه با تأثیر مشارکت اعضا در عوامل محیطی یافته‌ها نشان داد که مشارکت آنها از میزان آلودگی‌ها به خاطر کاهش استفاده از سموم و آفت‌کش‌های شیمیایی کاسته است.

با عنایت به نتایج تحقیق در دوبخش توصیفی و تحلیلی، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- برگزاری کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی در خصوص نقش و وظایف تعاونی‌های

روستایی برای اعضا

- ارتقا و افزایش کمی و کیفی حضور و مشارکت روستاییان در برنامه‌های توسعه بخش

تعاون به ویژه در فرایند برنامه ریزی و نظارت تعاونی‌ها

- تنوع بخشی به فعالیت‌های گروهی و تعاونی به منظور کاهش فقر روستایی

- حمایت عملی مادی و معنوی دولت از تعاونی‌های روستایی

- زمینه سازی واگذاری هر چه بیشتر امور توسعه به مردم با ظرفیت سازی و توانمندسازی

مردم محلی

- اعطا و تقویت اعتبارات و تسهیلات روستایی به شرکت‌های تعاونی روستایی در راستای

کمک به رفع نیازهای مردم روستایی و جلب رضایت آنان از طریق مشارکت مستمر در تصمیمات

مربوط به روستا

- توسعه و ایجاد تعاونی‌های زنان روستایی در منطقه برای افزایش مشارکت زنان در

برنامه‌های شرکت تعاونی در جهت بهبود شرایط زندگی خود و خانواده

- برگزاری برنامه‌های معرفی و قدردانی از تعاونی‌های نمونه که به افزایش مشارکت

روستاییان کمک کرده‌اند. این مسئله می‌تواند سبب افزایش انگیزه دیگر روستاییان در برنامه‌ها و

تصمیمات شرکت تعاونی روستای خود شود.

منابع

خیاطی ظهیری، س. (۱۳۸۵). بررسی فقر در ایران. تهران: انتشارات کویر.

راغفر، ح. (۱۳۸۴). فقر و ساختار قدرت در ایران. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۴(۱۷)، ۱-۴۴.

رضوی، ح. (۱۳۸۲). روستا، فقر، توسعه، (جلد دوم)، تهران: سلسله انتشارات روستا و توسعه، شماره ۵۲.

غفاری، غ.، تاج‌الدین، م. (۱۳۸۴). شناسایی مؤلفه‌های محرومیت اجتماعی. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۴(۱۷)، ۲۹-۵۲.

قرنی آرانی، ب. (۱۳۹۳). بررسی نقش برنامه‌ریزی مشارکتی در کاهش فقر روستایی به روش کیفی (مطالعه موردی: روستای لروز). پژوهش‌های روستایی، ۵ (۳)، ۴۶۷-۴۸۸.

محمودی، و. و صمیمی فر، س.ق. (۱۳۸۴). مفهوم و روش‌های سنجش و اندازه‌گیری فقر و نابرابری / فقرقابلیتی. فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۷، ۷-۳۲.

نجفی، ب. (۱۳۸۸). تجربیات جهانی در زمینه نقش تعاونی‌ها در کاهش فقر و اشتغال‌زایی. تعاون، ۲۰(۲۰۶ و ۲۰۷)، ۱-۲۰.

هادی‌زنوز، ب. (۱۳۸۴). فقر و نابرابری درآمد در ایران. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۴(۱۷)، ۱۶۵-۲۰۶.

Aazami.M. (2004). The process and outcomes of [people's participation in rural development projects in Iran. PhD Thesis. Reading University. UK.

Agustin, J. R. (2001), Participation, cooperatives and performance: Analysis of Spanish manufacturing firms. *Research in Labor Economics*, 20, 83-103.

Ali, A. (2014). *Factors Affecting the Participation of Rural People in Community Organisations*. A report submitted as a requirement for the degree of Rural System Management in the University of Queensland. UK The University of Queensland, Gatton.

Aref, A. (2011). Barriers of local participation in rural cooperatives: A case study of fars, Iran. *Journal of American Science*, 7(1), 670-673.

- Asadi, A., Akbari, M., ShabanaliFami, H., & Iravani, H. (2008), Poverty Alleviation and Sustainable Development: The Role of Social Capital. *Journal of Social Sciences*, 4 (3), 202-215.
- Ashley, C., & Maxwell, S. (2001). Rethinking Rural Development. *Development Policy Review*, 19(4), 395-425.
- Bainous, K. S. (2006). Micro Finance against Poverty: A meta analysis of reported impacts indeveloping countries. (edition 1). Germany: University of Gottingen.
- Birchall, J., & Simmons, R. (2006). The role of co-operatives in poverty reduction. In: Proceedings of the ICA Regional Conference on the role of co-operatives in poverty reduction in Asia. Hanoi. Vietnam. March.
- Blair, H. (2000). Participation and Accountability at the periphery: democratic local governance in six countries. *World Development*, 28(1), 21-39.
- Hairong, Y., & Yiuan, C. (2013). Debating the rural cooperative movement in china, the past and the present. *The Journal of Peasant studies*, 40(6), 955-981
- IFAD (2011). *Rural Poverty Report*. College London. 8-108, Retrieved from www.un.org/en/.../ruralpov/pdf/ifad_rural_poverty.pdf.
- International Food Policy Research Institute (2001). *Participation and poverty reduction: Issues, theory, and new evidence from South Africa*. Washington, D.C. 20006 U.S.A. (202) 862-5600.
- Johnson, C. (2001). Local democracy, democratic decentralisation and rural development: theories, challenges and options for policy. *Development Policy Review*, 19 (4), 521-532.

- Majee, W., & Hoyt, A. (2012). Cooperatives and community development: A perspective on the use of cooperatives I development. *Journal of Community Practice*, 19, 48-61.
- Manor, J. (1999). *The political economy of democratic decentralisation, directions in development series*. Washington DC: World Bank.
- Mcphail, M.G. (2003). *Colorado data for cooperative extension decade planning*. Summary Sheet. Colorado. USA. Retrieved from www.worldbank.org/poverty/wrppoverty.
- Moore, M. & Putzel, J. (1999). *Politics and poverty: A background paper for the world development*, Report 2000/1. IDS, The University of Sussex, UK.
- OECD (2001). *The DAC guidelines. Poverty Reduction*. Paris.
- Rondinelli, D., McCullough, J. S., & Johnson, R.W. (1989). Analysing decentralization policies in developing countries: A political economy framework. *Development and Change*, 20 (1), 57-87.
- Simmons, R. & Birchall, J. (2008). The role of co-operatives in poverty reduction: Network perspectives. *The Journal of Socio-Economics*, 37, 2131–2140.
- Zarazua, M. (2010). *What do we know about poverty impacts of microfinance? A meta-analysis*. Conference: Ten Years of War against Poverty. 8-10 September 2010. Manchester. Uk.

Role of Cooperatives in Rural Poverty Reduction in Famenin Township

M. Aazami^{1}, M. Sepah Panah², M. Bahadori Ghezljeh³*

Received: 31/08/2015 Accepted: 31/01/2016

Abstract

This was an applied research aiming to study the role of cooperatives in reducing rural poverty. The area of study was Famenin district in Hamedan province and the population included all the members of three kinds of rural cooperatives i.e. agriculture, servicing, and industrial cooperatives. The studied sample group consisted of 130 members of the cooperatives in the study area. In addition to a deep documentary review, the main instrument for collecting necessary data and information from the field was a questionnaire that its validity was confirmed by a panel of experts. Also, its reliability was gained using Cronbach's alpha coefficient ($\alpha= 0/88$). For analysis of the collected data SPSS22 software was used to analyze Coefficient variance and factor analysis in order to classify factors affecting from people's participation in cooperative activities. Results showed that members' participation had increased the amount of household saving, increased responsibility, improved village infrastructure, increased budget, accessed to educational and health availabilities, and reduced poverty in the study area.

Keywords: Rural Poverty, Agricultural Cooperative, Participation, Famenin County

1. Assistant Professor, Department of Agricultural Extension and Education, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

*Corresponding Author

E-mail: aazamialireza@yahoo.co.uk

2. Ph.D. Student, Department of Agricultural Extension and Education, Bu-Ali Sina University, Hamedan,

3. Ph.D. Student, Department of Rural Studies, Tabriz University, Tabriz, Iran